

تبلور وحدت شخصی در نظام فلسفی شیخ اشراق

میثم زنجیر زن حسینی^۱، سمیه ضیاء علی نسب پور^۲

چکیده

بی‌شک یکی از مهم‌ترین مسائل فلسفی و عرفانی، شناخت وجود در نظام هستی است. در علم عرفان، وجود در نظام تکوین به نحو وحدت شخصی لحاظ شده است. بدین معنا که وجود منحصر در حق تعالی است و ماسوای او اطوار و شئون وی محسوب می‌شوند. مشهور قائلند اولین کسی که وحدت شخصی وجود را در یک نظام‌واره علمی مطرح نمود، ابن عربی است و سپس کسانی مانند قونوی و قیصری و ترکه و ابن ترکه و فناری و صدرالمتألهین به تبیین فلسفی آن پرداخته‌اند. لیکن نگارنده قائل است شیخ اشراق نخستین شخصی است که پیش از همه به تبیین فلسفی وحدت شخصی وجود پرداخته است. اما پنداشت اصالت ماهیت از اعتباریت وجود در نظام اشراقی منجر به آن گردید که معارف عالیه شیخ اشراق از جمله تبیین وجدت شخصی وجود در حجاب اصالت ماهیت محجوب واقع شود. در این مقاله با بررسی نظام اشراقی اثبات خواهد شد که شیخ اشراق نخستین کسی است که به تبیین وحدت شخصی وجود پرداخته است.

واژگان کلیدی: اشراق، وحدت شخصی، اصالت ماهیت، تشکیک، اعتباریت وجود.

meysam.hatf@gmail.com

fzfh331@gmail.com

۱. استاد حوزه علمیه قم

۲. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی

بررسی جایگاه مشهورات در حکمت عملی با محوریت سخنان ابن سینا

محمدعلی نوری^۱

چکیده

باور حکمای مسلمان مانند فارابی و ابن سینا آن است که مشهورات به کار رفته در حکمت عملی، ریشه در واقعیت دارند و به همین دلیل در شمار مبادی حکمت عملی هستند. البته معنای این سخن آن نیست که همه این مشهورات بدیهی می‌باشند؛ زیرا مشهورات به صرف مشهور بودن، بداهت عقلی ندارند. ابن سینا در این باره می‌گوید مشهورات به کار رفته در حکمت عملی، اگرچه در فضای شهرت به اثبات نیاز ندارند، اما در فضای برهان نیازمند اثبات هستند و در شمار قضایای نظری می‌باشند. با لحاظ این دیدگاه، از یک سو به دست می‌آید که بهره‌گیری حکمت عملی از مشهورات متفاوت با بهره‌گیری دانش کلام از این گزاره‌هاست؛ زیرا در حکمت عملی مشهوراتی به کار می‌روند که صادق باشند و اگر صدق آنها بدیهی نباشد، به کمک برهان اثبات می‌شوند. درحالی که دغدغه دانش کلام، به کارگیری مشهورات صادق نیست؛ چرا که متکلم به دنبال دفاع از دین با روش جدل و افتناع است. از سوی دیگر، به دست می‌آید که دیدگاه محقق اصفهانی و آیت‌الله عابدی شاهرودی درباره اینکه فضای حکمت عملی از دید بوعلی مشهورات است و نه یقینات، با اندیشه ابن سینا سازگاری ندارد.

واژگان کلیدی: حکمت عملی، مشهورات، مبادی دانش برهانی، قضایای یقینی، ابن سینا.

عوامل هستی در حکمت اسلامی و برآیند آن در

حکمت هنر اسلامی

محمد مهدی حکمت مهر^۱، حسن معلمی^۲، سید محمدعلی دیباجی^۳، یارعلی کرد فیروزجایی^۴

چکیده

وجود آثار هنری زیبا، یکی از برجستگی‌های تمدن اسلامی است. اما حکمای اسلامی در مباحث حکمی خویش اهمیتی برای تبیین نظری هنر اسلامی نداشته‌اند. از این رو در عالم اسلام، علم مستقل مدونی که همه مباحث هنر در آن طرح شود و آموزه‌های مستقل و منسجم درباره هنر به دست دهد، به وجود نیامده است. با این وجود می‌توان با عنایت به تعالیم حکمت اسلامی، در خصوص هنر اسلامی نظریه‌پردازی نمود. عوامل هستی یکی از مبانی هستی‌شناختی حکمت اسلامی است که می‌توان از برآیند آن در حکمت هنر اسلامی نیز بهره برد. از منظر حکمت صدرایی، عوامل هستی علاوه بر عالم ماده، شامل عالم خیال و عقل است. عالم عقل بالاترین عالم است و عالم ماده پایین‌ترین عالم. عالم مثال نیز حالت برزخی دارد. این عوامل مجمع‌الجزایری بی‌ارتباط با هم نیستند. بلکه میان آنها تطابق برقرار است؛ به این گونه که آنچه در عالم ملک هست، به نحو برتری در عالم مثال وجود دارد و آنچه در عالم مثال هست، به نحو اعلی در عالم عقول موجود است. در این مقاله ابتدا نظریه عوامل هستی در نظر حکمای اسلامی بیان می‌شود و سپس برآیند این نظر در حکمت هنر اسلامی ترسیم می‌شود. بدین طریق نشان داده می‌شود که می‌توان با اتکا به حکمت اسلامی، از «حکمت هنر اسلامی» سخن گفت.

واژگان کلیدی: اخلاق ارسطویی، سعادت، فضیلت، تأمل نظری، تشبه به خدایان، حد وسط، فاعل اخلاقی.

hekmatmehr@gmail.com

۱. دکتری فلسفه اسلامی دانشگاه باقر العلوم 7 (نویسنده مسئول)

h.moallemi57@gmail.com

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه باقر العلوم 7

dibaji@ut.ac.ir

۳. دانشیار و عضو هیئت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران

frouzjaei@bou.ac.ir

۴. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه باقر العلوم 7

نحوه استناد: حکمت‌مهر، محمد مهدی؛ معلمی، حسن؛ دیباجی، سید محمدعلی؛ کرد فیروزجایی، یارعلی (۱۳۹۸).
«عوامل هستی در حکمت اسلامی و برآیند آن در حکمت هنر اسلامی». حکمت اسلامی، ۶ (۲)، ص ۵۱-۷۴.

تأملی در چیستی علت اعدادی

جواد دلپذیر^۱

چکیده

علت اعدادی به لحاظ وسعت کاربرد، از مهم‌ترین اقسام علل است. معدّ شیئی است که زمینه‌ساز حصول معلول مادی است و بنا بر تحقیق معدوم شدن معد قبل از تحقق معلول، مقوم آن نیست. حقیقت علت اعدادی که ملاک معد دانستن یک شیء است، استعداد شیء برای کمالات جدید و اسباب حصول آن است. دیگر احتمالات مطرح در مورد حقیقت معد و نیز مصادیق عام آن، به استعداد و اسباب آن بر می‌گردد. در نگاه دقیق، تمام ممکنات دخیل در وجودبخشی به معلول از معدّات حصول معلول بوده و علت فاعلی منحصر در خداوند متعال است. گرچه این معنا کاربرد متفاوتی از علت اعدادی است، اما به نظر می‌رسد می‌توان معنای عامی برای علت اعدادی در نظر گرفت که شامل این اصطلاح نیز بشود.

واژگان کلیدی: علت اعدادی، حقیقت معد، صلاحیت معلول، مصادیق معد، واسطه در ایجاد.

بررسی پیدایش کثرات از دیدگاه‌های فیلسوفان اسلامی و عرضه بر کتاب و سنت

محمدتقی یوسفی^۱، مصطفی نقینی^۲

چکیده

در فلسفه اسلامی، تبیین نحوه پیدایش کثرات از حق تعالی، مراحل را پیموده است. ابتدا در حکمت مشاء صحبت از عقول عشره و واسطه شدن ده عقل و نه فلک به صورت طولی میان حق تعالی و عالم جسمانی است. سپس سهروردی از عقول طولی و همچنین از عقول عرضی سخن بسیاری را مطرح می‌کند که این عقول عرضی، واسطه میان عقول طولی و کثرات این عالم هستند. در نهایت در حکمت متعالیه، همه این مباحث جای خود را به بحث وجود منبسط داده و تحولی اساسی در این زمینه رخ می‌دهد. اما در کتاب و سنت نیز میان حق تعالی و عالم جسمانی، وسایطی ذکر شده است که بررسی آنها وجود اشراکاتی را با دیدگاه حکما نشان می‌دهد؛ مانند وحدت و بساطت خداوند متعال، وجود صادر و مخلوق اول، وجود عرش، فرشتگان و جبرئیل که وجود منبسط، مُثُل افلاطونی و عقل فعال را به ترتیب می‌توان بر آنها تطبیق کرد. هم‌چنان که افتراقاتی نیز وجود دارد؛ مانند عدم انطباق تعداد وسایط با تعداد عقول و مسأله آفرینش از آب. روش ما در این مقاله تبیین و توصیف دیدگاه حکما با استفاده از متون فلسفی و ظهورگیری از متون کتاب و سنت، با استفاده از قواعد ظهورگیری متون است.

واژگان کلیدی: وحدت و کثرت، قاعده الواحد، صادر اول، عقل اول، عقل فعال، وسایط فیض.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه باقر العلوم 7

۲. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه باقرالعلوم 7

نحوه استناد: یوسفی، محمدتقی؛ نقینی، مصطفی (۱۳۹۸).

«بررسی پیدایش کثرات از دیدگاه‌های فیلسوفان اسلامی و عرضه بر کتاب و سنت»، حکمت اسلامی، ۶(۲)، ص ۱۰۳-۱۲۲.

بازخوانی حقیقت اراده الهی در پرتو نظریه سلطنت نفس در اندیشه محقق خوبی

سیدمحمد نقیب^۱، حسن رضایی هفتادار^۲، محمدعلی اسماعیلی^۳

چکیده

مسئله اراده الهی جایگاه ویژه‌ای در منظومه مباحث خداشناسی و انسان‌شناسی دارد. محقق خوبی در مباحث اصولی به واکاوی این مسئله در پرتو نظریه سلطنت نفس پرداخته است. از رهگذر این جستار، مشخص می‌شود که به باور محقق خوبی، مفهوم «اراده» با مفهوم «علم» تغایر مفهومی دارد و نمی‌توان آنها را به یکدیگر برگرداند؛ چنان که مفهوم «اراده» با مفهوم «ابتهاج» نیز تغایر مفهومی دارد. محقق خوبی در سایه نظریه سلطنت نفس به تبیین اراده الهی پرداخته و اراده الهی را سلطنت فعلی الهی و جزء صفات فعلی الهی قلمداد می‌نماید. این در حالی است که مبانی نظریه سلطنت نفس در تفسیر اراده الهی قابل پذیرش نبوده و انحصار اراده الهی در اراده فعلی نیز صحیح نیست. مطابق دیدگاه برگزیده، اراده الهی در شمار مفاهیم فلسفی است. منشأ انتزاع «اراده ذاتی الهی»، ذات فاعل همراه با رهایی از فشارهای داخلی و خارجی است؛ چنان که منشأ انتزاع «اراده فعلی الهی»، فعل نفسانی همراه با قیود مذکور است.

واژگان کلیدی: اراده الهی، شوق اکید، ابتهاج، محقق خوبی، سلطنت نفس.

Hosseiny43@yahoo.com

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

Hrezaii@ut.ac.ir

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران

li.esm91@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری فلسفه، جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسؤول)

نحوه استناد: نقیب، سیدمحمد؛ رضایی هفتادار، حسن؛ اسماعیلی، محمدعلی (۱۳۹۸).

«بازخوانی حقیقت اراده الهی در پرتو نظریه سلطنت نفس در اندیشه محقق خوبی»، حکمت/اسلامی، ۶(۱)، ص ۱۲۳-۱۴۰.

تطور مسأله علم الهی به اشیاء در فلسفه اسلامی و مقایسه آراء متأخر با نصوص دینی

ابراهیم رستمی^۱، بهادر مهرکی^۲

چکیده

چگونگی علم خداوند به اشیاء، از پیچیده‌ترین مسائل فلسفی است. فلاسفه مشاء با استناد به اصل علیت و از طریق صور مرتسمه به اثبات و تبیین علم خداوند پرداخته‌اند. فلاسفه اشراقی با تمسک به احاطه قیومی و اضافه اشراقی نور الانوار به اشیاء، علم خداوند را حضوری دانسته و معتقدند که وجود خارجی موجودات عین علم حق تعالی می باشد. فلاسفه صدرایی نیز از طریق قاعده بسیط الحقیقه و اطلاق وجودی، بر علم خداوند به اشیاء استدلال نموده‌اند. نصوص دینی نیز با بیان اطلاق ذاتی خداوند «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» و با ذکر احاطه قیومی «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» و حضور همه اشیاء در نزد حق تعالی «وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُخَضَّرُونَ» بر علم خداوند به اشیاء تأکید می‌نمایند. در این پژوهش، پس از تبیین تطور چگونگی علم خداوند به اشیاء در فلسفه مشائی، اشراقی و صدرایی، به مقایسه آراء متأخر فلاسفه اسلامی با نصوص دینی در مقام ذات و فعل پرداخته شده است. نتیجه پژوهش حاضر این است که مکشوفات عقلی در مسأله علم الهی به اشیاء، مورد تصدیق داده‌های وحیانی است و عقل و وحی، برهان و قرآن در این موضوع از مطابقت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند.

واژگان کلیدی: علم الهی، اشیاء، صور مرتسمه، اضافه اشراقی، بسیط الحقیقه، اطلاق ذاتی، نصوص دینی.

rostamiebrahim67@gmail.com

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

dr.b.mehraki@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

نحوه استناد: رستمی، ابراهیم؛ مهرکی، بهادر (۱۳۹۸).

«تطور مسئله علم الهی به اشیاء در فلسفه اسلامی و مقایسه آراء متأخر با نصوص دینی»، حکمت/اسلامی، ۶(۲)، ص ۱۴۱-۱۶۷.

بیرونی بودن منشأ وحی برآیند حقیقت‌شناسی وحی در علوم عقلی

علی خراسانی^۱، علی مدبر^۲

چکیده

از آنجاکه وحی به پیامبران اختصاص داشته است، دست‌یابی به فهم حقیقت وحی برای دیگر انسان‌ها ناممکن است. به نظر می‌رسد حتی تبیین پیامبران نیز نمی‌تواند تصویری روشن از این پدیده را ارائه دهد و انسان معمولی از حقیقت وحی و عالم اسرارآمیز آن جز شبحی ادراک نمی‌کند؛ چرا که نابینای مادرزاد نمی‌تواند تصویری از مناظر زیبایی داشته باشد که دیگران برایش وصف می‌کنند. باین‌حال متکلمان و حکیمان از دیرباز تاکنون کوشیده‌اند در قلمرو اصول و قواعد پذیرفته شده کلام و فلسفه، به تبیین حقیقت وحی و فرآیند نزول آن بپردازند. آنان با اذعان به ناتوانی از دریافت حقیقت وحی کوشیده‌اند از برخی زوایای پنهان آن پرده بردارند و ویژگی‌های وحی را بیان کنند.

از ویژگی‌های مهمی که از لایه‌لای تحلیل‌های ارائه شده در تبیین ماهیت وحی استفاده می‌شود، بیرونی بودن منشأ وحی است. به این معنا که وحی از درون پذیرنده آن سرچشمه نگرفته است. این ویژگی می‌تواند بسیاری از تحلیل‌های خاورشناسان از وحی را به چالش بکشد. این مقاله با تبیین ماهیت وحی در دانش‌های کلام و فلسفه، ویژگی بیرونی بودن منشأ وحی را نتیجه می‌گیرد.

واژگان کلیدی: وحی، ماهیت وحی، منشأ بیرونی وحی، ویژگی وحی خاورشناسان.

khorasani110@gmail.com

a.modabber@isca.ac.ir

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

نحوه استناد: خراسانی، علی؛ مدبر، علی (۱۳۹۸).

«بیرونی بودن منشأ وحی برآیند حقیقت‌شناسی وحی در علوم عقلی»، حکمت/اسلامی، ۶(۲)، ص ۱۶۹-۱۹۰.